



مؤثرترین راه جلوگیری از تولید خرافه دینی اهتمام عالمانه به قرآن است

مهم ترین و مؤثرترین راه برای جلوگیری از تولید خرافه دینی در بستر ناآگاهی های مردمی، اهتمام عالمانه بر متون اصلی دین، به ویژه قرآن است.

مهم ترین و مؤثرترین راه برای جلوگیری از تولید خرافه دینی در بستر ناآگاهی های مردمی، اهتمام عالمانه بر متون اصلی دین، به ویژه قرآن است. مسلمانان هر قدر فاصله خود را با این کتاب الهی کمتر کنند، بیشتر از آسیب خرافات و دیگر آفات در امان می باشند. برای خرافه و خرافه گرایی، زمینه های بسیاری را نام برده اند. یکی از این زمینه ها فقر بود که در بحث قبلی بدان پرداخته شد. همه آنچه که درباره فقر و رابطه آن با خرافه گرایی گفته شد، شامل جهل و بی سوادی نیز می شود.

جهل در معنای عمومی آن (بی سواد و پایین بودن سطح تحصیلات و مطالعات) و در معنای دینی اش (بی خبری از معارف اصلی و کانونی دین) از زمینه های مهم گسترش خرافه در جوامع انسانی است. نا آشنایی با روح آموزه های دینی، منشأ تولید خرافه می شود. این که جهل و بی سواد، زمینه را برای انواع خرافات و موهومات هموار می کند، مسلم است؛ اما اینکه نا آشنایی مردم با آموزه های اصیل دینی، چگونه در افزایش خرافات دینی (خرافه هایی که به خطا منسوب به باورهای دینی هستند) اثر می گذراند، همچنان جای تأمل و گفت و گو دارد.

دین، مجموعه ای از تعالیم و برنامه هایی است که مبدأ آسمانی و وحیانی دارد و در دل خود، راهکارهایی را برای حفظ سلامت و اصالت خود جاسازی کرده است. برای دور نیفتادن از حقیقت دین، باید این راهکارها را شناخت و پیوسته بر آنها اصرار ورزید.

مهمترین و مؤثرترین راه برای جلوگیری از تولید خرافه دینی در بستر ناآگاهی های مردمی، اهتمام عالمانه بر متون اصلی دین، به ویژه قرآن است. مسلمانان هر قدر فاصله خود را با این کتاب الهی کمتر کنند، بیشتر از آسیب خرافات و دیگر آفات در امان می باشند، اما آنچه اکنون در جوامع اسلامی جاری است فاصله گرفتن از قرآن و نزدیک تر شدن به حواشی دین است.

در گزارشی آمده بود که حدود هفتاد درصد مردم ایران، توانایی روخوانی قرآن را ندارند، اما پیدا نیست که سی درصدی که قادر به روخوانی قرآن هستند، چند درصدشان برنامه های نسبتاً منظم و مداوم برای خواندن قرآن دارند و از آن تعداد چند درصد معانی و مفاهیم آیات را می فهمند؟ در همان هفته ای که این خبر منتشر شده بود، خبر دیگری نوشت: [#171مفاتیح الجنان پرتیراژترین کتاب هفته گذشته بود.](#)

این خبر از یک جهت مسرت بخش است و از جهت دیگر، تأمل برانگیز. جای خوش وقتی است که مردم کشوری به دعا و نیایش روی کنند و در فرصت های ممکن بر سجاده مناجات بنشینند، اما آیا نباید همین مردم کتاب اصلی و متن مقدس و آسمانی خود را نیز به درستی بخوانند و درک کنند؟ فاصله گرفتن از قرآن به هر بهانه ای فاجعه می آفریند و یکی از آن فجایع، خرافه گرایی است.

سخت بر این باورم که یکی از مهم ترین زمینه های گسترش خراف در کشور ما، مهجوریت قرآن است؛ چنان که رسول خدا در همان سال های نخست نزول قرآن، از مهجوریت و مظلومیت این کتاب، نزد پروردگار شکایت کرده و خداوند شکایت آنرا در آیه 30 سوره فرقان ثبت کرده است.

به حتم دین نیز مانند هر مجموعه منسجم دیگری، کانونی دارد و پیرامونی، کانون دین اسلام وحی است و سپس، سخن و سیره قطعی پیامبر(ص) و پس از آن، جانشینان ایشان. این سلسله مراتب را باید حفظ کرد و طفره را - هم چنان که در فلسفه باطل است - در دین نیز باطل انگاشت. جای انکار نیست که بسیاری از مسلمانان، آشنایی عمیق و ریشه داری با کتاب اصلی خود ندارند؛ اما ذهن و قلب آنان، سرشار از گرایش ها و محبت ها و ارادات های پراکنده است. اگر بخشی از این گرایش ها و محبت ها به واقع صرف قرآن شود فواید و مواهبی را شاهد خواهیم بود که بی رونقی خرافات و کم رمقی انحرافات یکی از آنهاست.

افزون بر این، پائین بودن درصد مطالعه در ایران، مزید بر علت است. چندی است که میان مسئولان مربوط، درباره میزان سرانه مطالعه در ایران اختلاف است، از کمتر از نیم دقیقه در روز تا چند دقیقه در روز. این آمار در خوش بینانه ترین وضعیتش، بسیار نگران کننده است، به ویژه اگر نظری بر آمار سرانه مطالعه در کشورهای دیگر هم بیندازیم.

هم فقر و هم جهل که از عوامل اصلی خرافه گرایی اند، خود معلول عوامل دیگری هستند که بررسی آنها از مسئولیت های این نوشتار نیست، اما نگذاریم و نگذیریم که نام خرافه را نیز می توان در فهرست عوامل گسترش فقر و جهل دید. به واقع میان آنها داد و ستدی است جاودانه؛ یعنی همیشه و به همان اندازه که موجب خرافه گرایی است، خرافات نیز ریشه های جهل را آبیاری می کنند و هر خدمتی که فقر به خرافه می کند، خرافه نیز همان مقدار فقر را در جامعه می گستراند و دوام آنرا تضمین می کند. بنابراین مبارزه با هر یک، مبارزه با دیگری است و رونق هر کدام از آنها، رونق همزادان اوست.

ناگفته نماند که نباید خرافات را محدود و منحصر به اقوام بدوی و توسعه نیافته دانست. بسیاری از شهروندان اروپایی هنوز معتقدند: از زیر نردبان نباید رد شد، چون شگون ندارد. گربه سیاه شوم است. در میهمانی ها نباید سیزده نفر را دعوت کرد، وگرنه دعوا می شود. اگر کف دست راست انسان بخارد، بی پولی نصیبش می شود و اگر کف دست چپ او بخارد، پولی از دست می دهد. بلند شدن از رختخواب از سمت چپ یا به پشت، باعث بدخلقی در آن روز می شود.

اگر علم و مدرنیته و گسترش رسانه های آزاد، قاتل خرافات می باشند، چرا در جوامع پیشرفته چنین باورهایی هنوز وجود دارد؟ پاسخی که برخی جامعه شناسان داده اند این است که مدرنیته، هنوز جوان و نوپاست، اما بشر هزاران هزار سال را در تنهایی و وحشت از طبیعت بی رحم گذرانده است. انسان هزاران سال در برابر آذرخش، سیل، تاریکی، زلزله، حیوانات درنده و بسیاری از نیروهای ناشناخته دیگر احساس وحشت و تنهایی کرده است.

این احساس به مرور مبدل به یک ذخیره ژنتیکی در انسان شد و به این زودها از حافظه ژن های فرهنگی ما پاک نمی شود. این رسوبات دوران تنهایی و هراس بشر در برابر طبیعت است. به این ترتیب غیرعادی نیست که در جوامع صنعتی و فراصنعتی هم خرافه باشد، اما خرافات در یک جامعه پیشرفته اگرچه کمابیش حضور دارد، ولی محدود و قابل کنترل است؛ چنانکه روشن اندیشی و عقلانیت نیز در بدوی ترین جوامع حضور دارد، اما در حواشی و کناره ها.